

## تشدید فشارهای سیاسی و معیشتی در آستانه روز معلم

در آستانه روز معلم، انواع تهدید و فشار علیه تشکل‌های صنفی معلمان و فعالان این تشکل‌ها چه در زندان و چه در بیرون از زندان شدت گرفته است. علاوه بر فشارهای سیاسی و بی‌اعتنایی مطلق نسبت به خواست‌های سیاسی معلمان، تعرض علیه سطح معیشت معلمان و بی‌توجهی نسبت به خواست‌های صنفی آنان نیز همچنان ادامه داشته و تشدید شده است. درحالی‌که زندانیان سیاسی (و سایر زندانیان) در معرض خطر مرگ ناشی از ابتلا به بیماری

در صفحه ۳



## سقوط آزاد بهای نفت

سقوط آزاد بهای نفت و اتفاقی که در هفته گذشته در آمریکا رخ داد و بهای نفت به زیر صفر سقوط کرد گرچه رخدادی بی‌سابقه بود، اما دور از انتظار نبود. موسسات بانکی و کارشناسان حوزه نفت، وقوع آن را از قبل پیش‌بینی کرده بودند. این سقوط دلایل روشنی داشت. در بحران‌های اقتصادی پیشین نظام سرمایه‌داری، بهای نفت نیز کاهش پیدا می‌کرد، چرا که توقف یا کاهش تولید نیاز به نفت را کاهش می‌داد. در سال‌های پس از بحران ۲۰۰۷ نیز همواره بهای نفت با افت و خیزهای اقتصاد جهانی هم

آهنک بود. بهای نفت که در اوایل قرن کنونی تا ۱۴۸ دلار در هر بشکه افزایش یافته بود، با عمیق‌تر شدن بحران

در صفحه ۱۲

## "خون تشنگی" جمهوری اسلامی در آئینه اعدام

با ارائه گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل در مورد آمار اعدام‌های جمهوری اسلامی، یک بار دیگر نام جمهوری اسلامی را چه به لحاظ تعداد آمار اعدامی‌ها و چه به لحاظ اعدام "کودکان مجرم" در صدر نظام‌های سرکوبگر جهان قرار داد.

شایان سعیدیپور و مجید اسماعیل زاده از جمله "کودکان مجرمی" بودند که اخیراً اعدام شدند.

در صفحه ۵

**"گریه" اکنون صفتی ایتر است  
چرا که به تنهایی گویای خون تشنگی نیست  
تحمیق و گران جانی را افاده نمی‌کند  
نه مُفت خوارگی را  
نه خود با رگی را (احمد شاملو)**

اعدام شایان سعیدیپور در زندان سفز در روز سه شنبه دوم اردیبهشت، و مجید اسماعیل زاده در زندان اردبیل در روز شنبه ۳۰ فروردین، همراه

## در گرامی‌داشت اول ماه مه اهمیت اعتصاب سراسری کارگران

در این روزها و در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، کارگران در ایران همچنان با سلاح اعتصاب و یا نمایش خیابانی در جنگ و گریز با نظم حاکم و سلطه نظام سرمایه‌داری هستند. هر چند که این نمایش‌ها و اعتصابات حتماً می‌تواند به دلیل دستمزدهای عقب‌افتاده باشد، اما این چیزی از محتوای اعتراضی آن‌ها نسبت به نظم موجود، بویژه در شرایط کنونی کم نمی‌کند. این مهم است که تمامی این اعتراضات، در شرایطی رقم می‌خورد که ایران یکی از کشورهای بی‌بست که ویروس کرونا در آن هر روز قربانیان زیادی می‌گیرد. در کشورهایی که حتماً از نظر شیوع ویروس کرونا وضعیت به‌مراتب بهتری نسبت به ایران دارند شاهد تظاهرات خیابانی نیستیم، اما در ایران کارگران دست به اعتصاب زده، در برابر مراکز دولتی دست به تجمع می‌زنند و حتماً با تظاهرات، نمایش خیابانی برپا می‌کنند. برای نمونه در این روزها شاهد اعتراضات کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی در برخی از خطوط راه‌آهن، رانندگان اتوبوس‌های شهری و بین‌شهری، هفت‌تیه، برق، مخابرات، کارگران شرکت نفت و گاز اروندان و پالایشگاه آبادان، معادن مس سونگون، گل‌گهر

در صفحه ۲

**اول ماه مه  
روز اعتراض و مبارزه و  
کیفرخواست کارگران  
جهان علیه  
نظام سرمایه‌داری**

در صفحه ۶

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت اول ماه مه!  
در اول ماه مه روز جهانی و همبستگی طبقه کارگر اعلام می‌کنیم،  
سرمایه داری دشمن بشریت است. سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

در صفحه ۷

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
در محکومیت تعیین دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر

در صفحه ۱۱

**گرامی باد اول ماه مه  
۱۲ اردیبهشت،  
روز جهانی کارگر**

در صفحه ۸

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

## در گرامی‌داشت اول ماه مه اهمیت اعتصاب سراسری کارگران

سیرجان، معدن طلای ساریگونی (زردکوه) و کارگران شهرداری‌های مختلف کشور بودیم که تنها بخشی از اعتراضات کارگری در روزها و هفته‌های اخیر است.

در این میان باید از اعتصاب و راهپیمایی سه هزار کارگر شرکت زغال‌سنگ کرمان در شهرهای راور، کوهپنا و زرنند به‌عنوان شاخص‌ترین اعتراضات کارگری پس از شیوع ویروس کرونا نام برد. دوشنبه اول اردیبهشت سه هزار کارگر این شرکت با اعتصاب و راهپیمایی در سطح شهر در برابر مراکز دولتی از جمله فرمانداری و دفتر امامان جمعه تجمع کردند. کارگران شرکت زغال سنگ در سال‌های گذشته توانسته بودند با اعتصابات و مبارزات خود شرکت را از دست پیمانکاران خارج کرده و تحت نظر دولت در بیاورند، اما در سال ۹۲ کابینه روحانی شرکت را به صندوق بازنشستگان فولاد واگذار کرد و اکنون این صندوق نیز قصد دارد شرکت را به یک شرکت خصوصی دیگر به نام "دالاهو" واگذار کند. کارگران شرکت زغال سنگ کرمان اما براساس تجربه مبارزاتی خود می‌دانند که با واگذاری شرکت بار دیگر پای پیمانکاران باز خواهد شد و از این رو با واگذاری شرکت به "دالاهو" به مخالفت برخاستند. از دیگر خواست‌های کارگران اعتصابی می‌توان به تبدیل قرارداد کارگران از انجام کار معین به قرارداد دائمی، پرداخت حق بیمه و تامین حقوق فروردین کارگران به علت بیماری کرونا، اجرای صحیح کامل و بدون نقص طرح طبقه‌بندی مشاغل، افزایش دستمزد، اجرای قانون بازنشستگی در مشاغل سخت و زیان‌آور اشاره کرد.

البته سرمایه‌داران نیز از سوی دیگر با بهره‌گیری از شرایطی که شیوع ویروس کرونا بوجود آورده تهاجمشان را به طبقه کارگر افزایش داده‌اند که افزایش تحقیرآمیز ۲۱ درصدی حداقل دستمزد و ۱۵ درصدی سایر سطوح مزدی یک نمونه برجسته آن است. اخراج کارگران در سطح وسیع، عدم پرداخت دستمزدها به بهانه کرونا از دیگر تهاجمات سرمایه‌داران به کارگران در روزها و هفته‌های اخیر بوده است. تعطیلی کنتورسازی قزوین به بهانه شیوع ویروس کرونا یک نمونه است که با اعتراضات متعدد کارگران کارخانه کنتورسازی در روزهای اخیر همراه بوده است.

به‌گفته‌ی سرپرست اداره کار استان قزوین تاکنون ۱۵ کارخانه به دلیل شیوع کرونا تعطیل و بیش از شش هزار کارگر تقاضای بیمه بیکاری کرده‌اند. بنوشته‌ی روزنامه اعتماد (۳۰ فروردین) تنها در ۲۰ روز گذشته ۶۰۰ هزار کارگر برای دریافت بیمه بیکاری تقاضا داده‌اند.

این روزنامه همچنین به نقل از ربیعی سخنگوی کابینه از بیکاری حدود ۴ میلیون نفر در اثر شیوع ویروس کرونا خبر داد.

مجید محمدپور، رئیس انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت، روز یکشنبه ۳۱ فروردین به خبرگزاری دولتی ایلنا گفت ۸۰۰ شرکت فعال در این حوزه نه سفارشی دارند و نه فروشی که اگر دولت از این شرکت‌ها حمایت نکند، ۸۰ هزار کارگری که به صورت مستقیم در این شرکت‌ها کار می‌کنند و ۲۴۰ هزار کارگری که به صورت غیرمستقیم در این بخش اشتغال دارند بیکار خواهند شد.

دیرکل "خانه کارگر لرستان" نیز از تعطیلی کارخانه نساجی بروجرد به دلیل مشکلات مالی و کاهش تقاضا در بازار و بیکاری ۹۴۰ کارگر این کارخانه خبر داد. در استان لرستان تا پایان فروردین ۸ هزار و ۵۰ نفر برای دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کرده‌اند. در استان مرکزی ۲۴ کارخانه تعطیل و ۷۰۰۰ کارگر برای دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کرده‌اند. در بوشهر ۷ هزار و ۵۰۰ کارگر، در گلستان بیش از ۱۴ هزار کارگر، در ایلام ۵ هزار و ۸۰۰ کارگر و در خراسان رضوی ۲۸ هزار کارگر برای دریافت بیمه بیکاری ثبت نام کرده‌اند.

در سواه کارفرمای کارخانه "پارلو" وقاحت را به اوج خود رساند و به بهانه دروغین گم شدن یک "لیپ تاپ" ۲۵ کارگر را با سابقه ۱۰ تا ۱۵ سال کار به صورت جمعی اخراج کرد. این کارخانه پیش از این ۱۰۰ کارگر داشت که با اخراج بخشی از کارگران تعداد آن‌ها به ۲۵ نفر رسیده بود. در شرکت روناک دارو شهر صنعتی کوه واقع در سواه نیز ۴۷ کارگر به بهانه عدم تامین مواد اولیه از کار اخراج شده‌اند و احتمالاً ۲۰۰ کارگر دیگر نیز در بخش تولید دارو در روزهای آینده اخراج خواهند شد.

در یک نمونه دیگر کارفرمای کارخانه الکتروژن با تعطیلی کارخانه در ماه فروردین به بهانه ویروس کرونا، دستمزد ۱۵۰۰ کارگر کارخانه برای ماه فروردین را پرداخت نکرد!!!

از سوی دیگر در کارخانجاتی که کارگران مجبورند همچنان بر سر کار حاضر شوند، کارگران با خطر ابتلا به ویروس کرونا روبرو هستند و کارفرمایان و دولت برای حفاظت از جان کارگران در برابر ویروس کرونا هیچ اقدام جدی صورت نداده‌اند. در یک نمونه و براساس اعتراف اداره کل تعاون، کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی ۳۸ کارگر پتروشیمی ارومیه به کرونا مبتلا شده‌اند. در نامه این اداره آمده است که از ۶۰ مورد تست کرونای کارگران این شرکت ۳۸ مورد مثبت بوده است. این کارخانه ۲۰۹ کارگر دارد. در این نامه آمده که در

کارخانه پتروشیمی ارومیه کمبود وسایل حفاظت فردی مشهود بوده و هیچ اقدامی برای جلوگیری از گسترش ویروس کرونا صورت نگرفته است. نکته مهم در تهاجمات سرمایه‌داران به طبقه کارگر همدستی سرمایه‌داران و دولت است، موضوعی که امروز برای طبقه کارگر ایران کاملاً آشکار شده است. اما کارگران چگونه می‌توانند نه تنها تهاجمات طبقه حاکم را دفع کنند بلکه شرایط را به نفع خود تغییر دهند؟ این سوالی است که باید به آن جواب داد و امروز و در شرایط کنونی اهمیت بسیاری دارد.

واقعیت این روزهای جامعه ما این است که عملکرد جمهوری اسلامی در جریان شیوع ویروس کرونا منجر به رانده شدن باز هم گروه‌های بیشتری از جامعه به زیر خط فقر شده است. اما این تنها نتیجه آن نیست. میلیون‌ها خانواده در اثر بیکاری همان آب باریکه را از دست داده‌اند. بحران اقتصادی رکود - توری چنان اوج گرفته که حتی با دو سال گذشته و بعد از تحریم‌های اقتصادی آمریکا و چند برابر شدن نرخ ارزهای خارجی بسیار فراتر رفته است.

همه‌ی این‌ها در شرایطی رخ داده است که کارگران و زحمتکشان ایران از دی‌ماه ۹۶ وارد مرحله‌ای جدید از مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی شده و جامعه وارد یک دوران انقلابی شده است. در چنین شرایطی است که تشدید بحران اقتصادی، اضافه شدن میلیون‌ها بیکار به صفوف بیکاران، عملکرد جمهوری اسلامی در مقابله با شیوع ویروس کرونا همگی نه به رکود در مبارزه طبقاتی که به تشدید مبارزه طبقاتی منجر خواهند شد. بیهوده نیست که هم اکنون تنورسین‌های نظم حاکم به مقامات رژیم درباره‌ی امکان فرار شورش اجتماعی جدید حتماً بسیار طوفانی‌تر از آبان ۹۸ هشدار می‌دهند.

محمدرضا محبوب‌بفر یکی از این افراد است که در روزنامه "جهان صنعت" به تاریخ سوم اردیبهشت‌ماه در مقاله‌ای با عنوان "کرونا و تاب‌آوری" به حکامان درباره پایان تاب‌آوری مردم هشدار می‌دهد و خواستار تغییرات مهم اساسی در سیاست‌ها و عملکرد حکومت شده است تا شاید این تغییرات بتوانند از شورش محرومان جامعه علیه نظم موجود جلوگیری کنند. وی با زیرسوال بردن عملکرد جمهوری اسلامی در مقابله با کرونا می‌نویسد: "در سایه کرونا قیمت کالاهای اساسی مردم رو به افزایش است و روزانه یا هفتگی چیزی حدود ۵ تا ۱۰ درصد بر قیمت کالاها افزوده می‌شود و همین مساله در کنار سایر تبعات اقتصادی کرونا مقاومت و تاب‌آوری مردم کشور را کاهش داده است. اکنون تبعات اقتصادی کرونا و در پس آن، تبعات اجتماعی بیماری در کشور نمایان شده و فروپاشی اقتصادی و سپس فروپاشی اجتماعی در آینده نزدیک غیرقابل اجتناب خواهد بود و این مساله در کنار مطالعه منحنی روند اعتراضات مردمی در کشور در سال‌های ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ بروز مجدد نارضایتی‌های اقتصادی و

در صفحه ۹

**پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر**

## تشدید فشارهای سیاسی و معیشتی در آستانه روز معلم

خدیجه پاکضمیر اطلاع داد، باردیگر دروغ گویی و عوام‌فریبی عناصر مزور و ریاکار "اصلاح‌طلب" که سعی کرده‌اند تشکل‌های صنفی معلمان را ابزار دست خود در رقابت‌های جناحی سازند، آشکار شد و برای صدمین بار سراب اعتماد به جناح‌های حکومتی را برملا کرد.

این اقدام ضد انسانی مورد اعتراض معلمان و تشکل‌های صنفی آنان قرار گرفت. "معلمان عدالت‌خواه" با صدور بیانیه‌ای در سوم اردیبهشت ۹۹ از عوام‌فریبی اصلاح‌طلبان حکومتی و نقش آنان در اخراج محمد حبیبی سخن گفت و از تمام تشکل‌های صنفی معلمان خواست نسبت به این تصمیم اعتراض کنند. بیست تشکل صنفی معلمان در نامه مشترکی خطاب به قوه قضائیه، ضمن اشاره به خطر ابتلای زندانیان به بیماری کرونا، خواستار آزادی یا حداقل مرخصی محمد حبیبی و سایر زندانیان شدند. اغلب تشکل‌های صنفی معلمان اخراج محمد حبیبی را محکوم نموده و خواستار آزادی و بازگشت به کار وی شده‌اند.

تشدید فشار و سرکوب تشکل‌های صنفی و فعالان جنبش اعتراضی معلمان برای مرعوب ساختن معلمان آگاه و پیشرو و سازمان‌گران اعتصابات و تجمعات سرا سری در آستانه روز معلم، همزمان شده است با یک‌رشته فشارهای اقتصادی و معیشتی و بی‌توجهی مطلق به خواست‌های معلمان در این زمینه. سال‌هاست که معلمان در هر اعتراض و اعتصاب خود خواهان اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری هستند که در ۲۵ مهر سال ۸۶ به تصویب رسید. از آن زمان رفع تبعیض و همسان‌سازی حقوق معلمان با سایر مستخدمان بخش دولتی، یکی از خواست‌های محوری و دائمی معلمان و تشکل‌های صنفی آنان بوده است. اگرچه طی سال‌های ۹۴ تا ۹۸ برخی اقدامات پراکنده و جزئی در زمینه رتبه‌بندی به اجرا درآمده که منجر به افزایش حقوق گروه اندکی از معلمان و فرهنگیان شده است، اما خواست اصلی معلمان هرگز اجرایی نشده بلکه سعی شده با برخی اقدامات فرمال، اصل خواست معلمان یعنی همسان‌سازی حقوق‌ها حذف و از صحنه خارج شود. در این مورد تشکل‌های صنفی معلمان بارها تأکید کرده‌اند و اخیراً نیز سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان سراسر کشور تکرار کرد و گفت: فرهنگیان ایران فقط اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری را قبول دارند و به هیچ‌وجه اجرای فرمایشی آن را نخواهند پذیرفت.

در همین رابطه محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه‌ریزی و همپالگی‌های وی در آموزش و پرورش تلاش کرده‌اند ضمن برگزاری جلساتی با برخی تشکل‌های منتسب به معلمان، این قبیل اقدامات و تصمیمات خود را، تصمیم و خواست معلمان و تشکل‌های صنفی آنان جا بزنند. از این‌رو در تاریخ ۲۸ / ۱ / ۹۹ با همین هدف جلساتی با حضور به‌اصطلاح نمایندگان فرهنگیان شاغل و بازنشسته در محل سازمان



دوم آبان ۹۷ این حکم را تأیید کرد و مجازات "اشد" یعنی هفت سال و نیم حبس قطعی شد. علی‌رغم شرایط بحرانی و غیربهداشتی زندان‌ها و خطر جدی ابتلای زندانیان به بیماری مرگبار کرونا، دستگاه قضایی و امنیتی و کل دستگاه حکومتی از اعزام وی به مرخصی خودداری می‌کنند. محمد حبیبی در حال حاضر از بیماری ریوی رنج می‌برد و در معرض ابتلا به بیماری کرونا قرار دارد. دستگاه‌های قضائی و امنیتی رژیم حامدانه از اعزام حبیبی و امثال او خودداری نموده و جان این معلم را در معرض خطر مرگ قرار داده‌اند.

اما این هنوز تمام فشارها و محدودیت‌هایی که علیه محمد حبیبی فعال جنبش اعتراضی و فعال حقوق معلمان اعمال شده و می‌شود نیست. از همان نخستین روزهای بازداشت حبیبی در سال ۹۷ مسئولین آموزش و پرورش در همدستی کامل با دستگاه امنیتی، موضوع "غیبت غیرموجه" و اخراج وی را مطرح کردند و از تیرماه همان سال پرداخت حقوق ماهانه وی قطع شد. کوشش‌های زیادی از طرف دوستان و بستگان حبیبی از جمله همسر وی به عمل آمد که آموزش و پرورش با درخواست مرخصی بدون حقوق وی موافقت کند. به این معنا که مادام که حبیبی در زندان است، مرخصی بدون حقوق در نظر گرفته شود و پس از اتمام دوره محکومیت و آزادی از زندان، کار معلمی و پرداخت حقوق وی از سر گرفته شود. برخی افراد حکومتی نزدیک به "اصلاح‌طلبان" و دارو دسته روحانی که در آموزش و پرورش نیز پست‌های رسمی داشته‌اند، وعده‌هایی برای تحقق این موضوع داده بودند. اما روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت ۹۹ وقتی که آموزش و پرورش حکم انفصال از آموزش و پرورش و اخراج محمد حبیبی را با ۱۸ سال سابقه کار معلمی صادر و به همسر وی

کرونا قراردادند و به‌فوریت باید آزاد شوند و با لاف‌ها به‌طور موقت به مرخصی اعزام شوند، اما رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن بدون توجه به جان و سلامت وزندگی انسان‌ها، نه فقط از آزادی و مرخصی زندانیان امتناع نموده بلکه مدام فعالان جنبش اعتراضی معلمان و سایر گروه‌های اجتماعی را بازداشت و زندانی می‌کند. یک نمونه آن اسماعیل عبدی معلم مبارز و عضو کانون صنفی معلمان ایران (تهران) است که از ۱۹ آبان ۹۵ در زندان به سر می‌برد. اسماعیل عبدی که ۲۷ اسفند ۹۸ از زندان اوین به مرخصی اعزام شده بود، وقتی که روز اول اردیبهشت ۹۹ برای تمدید مرخصی به دایره نظارت زندان اوین مراجعه کرده بود، بازداشت و زندانی شد. این درحالی‌ست که به گفته حسین تاج وکیل عبدی، معاون قوه قضائیه اعلام کرده بود مرخصی‌ها تا ۱۰ اردیبهشت تمدید شده است.

نمونه دیگر نحوه برخورد دستگاه دولتی اعم از دستگاه قضائی و امنیتی و وزارت آموزش و پرورش با معلم آگاه و مبارز محمد حبیبی است. حبیبی عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان ایران (تهران) است که در جریان اعتصاب سرا سری و تجمع معلمان در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۹۷ با ضرب و شتم عوامل سرکوب رژیم دستگیر شد. وی در زندان نیز مورد آزار و شکنجه قرار گرفت. او نخست به زندان بزرگ تهران و در کنار مجرمان عادی زندانی شد و تنها پس از ۴ ماه به زندان اوین منتقل شد. محمد حبیبی یک مرداد ۹۷ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به هفت سال و نیم حبس و نیز دو بار به ۱۸ ماه حبس، مجموعاً ده سال و نیم حبس تعزیری، دو سال ممنوعیت از هرگونه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، ۷۴ ضربه شلاق و ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. دادگاه تجدیدنظر وی در

### زنده باد سوسیالیسم

## تشدید فشارهای سیاسی و معیشتی در آستانه روز معلم



و دقیق‌تر از مسئولین و افراد وابسته به جناح‌های حکومتی و ابراز علنی بی‌اعتمادی نسبت به آن‌هاست. این بی‌اعتمادی باید گسترش یافته و به امری نهادینه شده در کانون صنفی معلمان ایران و سایر تشکل‌های صنفی معلمان بدل گردد.

تشکل‌های صنفی معلمان تنها و تنها باید روی نیروی توده‌ای خود، بسیج توده معلمان و حرکت مستقل خود حساب و روی آن تمرکز کنند. تنها با بسیج و سازمان‌دهی توده معلمان و به صحنه آوردن آنان و تنها با اعتصابات گسترده سرا سری است که می‌توان گام‌هایی به جلو برداشت.

در آستانه ۱۲ اردیبهشت روز معلم که امسال با اول ماه مه روز جهانی کارگر نیز مصادف شده است، بار دیگر خواست همسان‌سازی حقوق معلمان با سایر کارکنان دولت، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان فرهنگی با شاغلان، توقف و منع خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، حق تشکل یابی مستقل، آزادی فوری و بی‌قید و شرط معلمان زندانی و سایر زندانیان سیاسی و سرانجام آزادی فوری معلم آگاه و مبارز محمد حبیبی و لغو حکم اخراج وی از آموزش و پرورش، فشرده خواست‌های عمده معلمان و تشکل‌های صنفی آنان است.

از یاد نبریم که افزون بر معلمان شاغل در مدارس دولتی، صدها هزار معلم دیگر در مدارس خصوصی و غیرانتفاعی مشغول به کار هستند که وضعیت شغلی و دریاقتی ماهانه آن‌ها به مراتب بدتر و وخیم‌تر از معلمان بخش دولتی است. بنابراین دفاع و حمایت از خواست‌های این بخش از معلمان نیز در سرنوشت مطالبات معلمان در روز ۱۲ اردیبهشت، روز معلم است.

نخستین گام جدی برای تحقق این خواست‌ها اتحاد، تشدید و استمرار مبارزه و سازمان‌دهی اعتصابات گسترده و سرا سری است.

تشکل‌های دست‌ساز حکومت، مسئولین وزارت آموزش و پرورش و سازمان امور اداری و استخدامی کشور در سازمان برنامه و بودجه کشور به ریاست نوبخت برگزار شد، به "تشویش اذهان عمومی" متهم کرد. جلساتی که هدف و مضمون آن در اساس فرار و امتناع از پذیرش خواست دیرین معلمان یعنی اجرای کامل لایحه مدیریت خدمات کشوری و همسان‌سازی حقوق معلمان با سایر کارمندان دولتی بود. نوبخت و امثال نوبخت در حالی که عوام‌فریبانه از مشورت با تشکل‌های صنفی و دعوت از کانون صنفی معلمان حرف می‌زنند، اما فعالان این تشکل و دیگر تشکل‌های صنفی معلمان و فرهنگیان را بازداشت و زندانی و به حبس‌های طولانی مدت محکوم می‌کنند و حتی در انفعال از آموزش و پرورش و اخراج معلمان آگاه و مبارز عضو همین کانون لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند.

در آستانه ۱۲ اردیبهشت روز معلم، فشارهای سیاسی و امنیتی و اقتصادی علیه معلمان بیش‌ازپیش تشدید شده است. بازداشت مجدد اسماعیل عبیدی، مخالفت با آزادی موقت و حتی مرخصی موقت معلم آگاه و مبارز محمد حبیبی و صدور حکم اخراج وی از آموزش و پرورش، توأم با بی‌اعتنایی کامل و مطلق دستگاه حکومتی به خواست‌های اصلی معلمان، بیان‌گر این واقعیت است که رژیم تاریک‌اندیش و ضد فرهنگ حاکم بر ایران، در هیچ زمینه‌ای سر آشتی با افشار زحمتکش مردم ندارد. عملکرد جناح‌های حکومتی و گرایش "اصلاح‌طلبی" مکرر این واقعیت را به اثبات رسانده است که آنان هرگز در فکر منافع توده معلمان و تشکل‌های صنفی آنان نبوده‌اند و نیستند. بلکه تنها به مقصد فریب، وعده‌هایی به معلمان می‌دهند تا از آنان به‌عنوان ابزاری در راستای منافع و رقابت‌های جناحی خود بهره‌برداری کنند. تشکل‌های صنفی معلمان و فعالان آن نیز در جریان عمل و به تجربه دریافته‌اند که نمی‌توان و نباید به آنان اعتماد کرد. اقدام اخیر کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در رد دعوت محمدباقر نوبخت به شرکت در یک خیمه‌شب‌بازی حکومتی، خود یک نمونه روشن از شناخت بهتر

برنامه و بودجه برگزار شد. در این جلسه برخی تشکل‌های دست‌ساز حکومتی متناسب به معلمان از نمونه "انجمن اسلامی علمان" و "مجمع فرهنگیان ایران اسلامی" که به قول یکی از معلمان - "در امر کارچاق‌کنی مهارت ویژه‌ای دارند و اعضای ارشد آن‌ها سهامدار چندین مدرسه و شرکت هستند و در لابی‌گری بین وزارت آموزش و پرورش و بخش خصوصی فعال‌اند و از این طریق پول‌های هنگفتی به جیب می‌زنند" - به‌عنوان نماینده فرهنگیان حضور داشتند. جالب این‌که از ده‌ها تشکل صنفی معلمان در استان‌های مختلف کشور، حتی یک نفر هم به این جلسه دعوت نشده بود. حتی از "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان سراسر کشور" که تقریباً کل این تشکل‌ها را نمایندگی می‌کند نیز هیچ‌کس حتی یک نفر هم به این اجلاس دعوت نشده بود. اما به‌منظور عوام‌فریبی و فریب افکار عمومی به‌ویژه معلمان، طی نامه‌ای در ۲۷ / ۱ / ۹۹ یعنی فقط یک روز قبل از اجلاس، از کانون صنفی معلمان ایران (تهران) دعوت به عمل آمده بود که کانون نیز پس از بررسی جوانب موضوع، به‌درستی تصمیم گرفت در این جلسه شرکت نکند و این دعوت را رد کرد. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در اطلاعیه‌ای که ۲۸ / ۱ / ۹۹ انتشار داد در این مورد نوشت "پیرو نامه‌ی ارسال‌شده‌ی مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور تشکل‌ها که بعد از ظهر روز گذشته به این تشکل صنفی معلمان ابلاغ شد، و با توجه به دعوت نشدن هیچ‌یک از تشکل‌های صنفی استان‌ها و نپذیرفتن دست‌کم یک نماینده دیگر از کانون تهران که می‌توانست به نمایندگی از طرف مجموعه تشکل‌های استان‌ها (شورای هماهنگی) در جلسه شرکت کند، همچنین با توجه به تهدیدات و احضارهای فعالان صنفی فرهنگی و نیز دیرنگام بودن این دعوت، که پس از صدور احکام معلمان صورت گرفته و به نظر می‌رسد بیشتر برای توضیح و توجیه صدور احکام صادره همانند گذشته، تضییع حقوق معلمان را به دنبال داشته باشد.

کانون صنفی معلمان تهران حضور در این جلسه را غیرضروری و فاقد هرگونه دستاورد ارزیابی نموده و از شرکت در جلسه مذکور خودداری می‌کند." علی‌رغم اعلام عدم شرکت کانون صنفی معلمان در این جلسه اما "مجمع فرهنگیان اسلامی" فهرستی از افراد شرکت‌کننده در این اجلاس انتشار داد که نام دو تن از اعضای هیئت‌مدیره کانون نیز در آن وجود داشت تا به این وسیله تصمیم کانون را غیر مهم جلوه دهد و آن را زیر سؤال ببرد و در عین حال اصل موضوع را مخدوش سازد. به دنبال این موضوع، معلمان و تشکل‌های صنفی آنان در شبکه‌های مجازی، انتقادات گسترده‌ای را نسبت به مخدوش‌سازی چهره کانون صنفی معلمان و شیوه برخورد نوبخت با خواست‌های معلمان و تصمیمات مربوطه سازمان دادند. نوبخت نیز به شیوه هم‌قطاران خود در دستگاه امنیتی، منتقدان و مخالفان تصمیمات جلسه‌ای که با حضور

**لنین یکی از رهبران اصلی و بی‌همتای بزرگ‌ترین انقلاب سوسیالیستی در جهان است**  
**لنین در ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ متولد شد**

**صد و پنجاهمین سالروز تولد این آموزگار پرولتاریای جهان بر تمام کارگران مبارک باد!**

## "خون تشنگی" جمهوری اسلامی در آئینه اعدام

شایان و مجید، سال‌هایی از کودکی شان در زندان گذشت و پس از آنکه به سن قانونی رسیدند، سیستم قضایی جمهوری اسلامی حکم اعدام را در موردشان به اجرا گذاشت. شایان سعیدپور که در سن ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده بود، از جمله زندانیانی بود که در هشتم فروردین از زندان سقر فرار کرد، اما مجدداً دستگیر و چند روز بعد با دخالت آشکار دادستان سقر اعدام شد.

اعدام شایان و مجید در میان سازمان‌های سیاسی، گروه‌های اجتماعی و نهادهای حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین‌الملل بازتاب گسترده‌ای یافت. میشل باچله، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، از جمله کسانی بود که با صدور بیانیه‌ای شدید‌الحن، نسبت به اعدام "کودکان مجرم" در جمهوری اسلامی واکنش نشان داد. میشل باچله، با تأکید بر منع اعدام افرادی که در کودکی مرتکب جرم شده‌اند، در بیانیه‌اش نوشت: "به رغم مداخلات و تماس‌های مکرر دفتر من با حکومت ایران در این رابطه، اعدام کودکان مجرم در ایران همچنان ادامه دارد". کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل همچنین یادآور شده: "این موضوع هم‌تأثر آور و هم‌با توجه به غیر قانونی بودن این نوع اقدام، شرم‌آور است".

در کنار اعدام این دو "کودک مجرم"، اعدام مصطفی سلیمی را داشتیم که روز ۲۳ فروردین در زندان سقر به دار آویخته شد. مصطفی سلیمی از سال ۱۳۸۳ به مدت ۱۷ سال در زندان بود. او نیز از جمله زندانیانی بود که روز هشتم فروردین از زندان سقر فرار کرد. مصطفی سلیمی پس از فرار از زندان، وارد اقلیم کردستان عراق شد، اما از سوی مقامات اقلیم کردستان بازداشت و به مقامات جمهوری اسلامی تحویل داده شد.

موارد فوق، تنها نمونه‌هایی از اعدام‌های علنی روزهای اخیر در نظام جمهوری اسلامی هستند. محاکماتی بدون حضور وکیل، بدون دادرسی عادلانه، بدون دادگاه‌های علنی و بدون برخورداری متهمان از کمترین حق و حقوق سیاسی و قانونی که یک متهم زندانی باید از آن برخوردار باشد. زندانیانی که سال‌هایی از عمرشان در زندان گذشت و اکنون تنها به جرم فرار از زندان اعدام شده‌اند. زندانیانی که برای در امان بودن از ویروس مرگبار کرونا از زندان فرار کردند و طبق تمام موازین حقوق بین‌الملل، فرار از زندان نه تنها جرم نیست، بلکه حق طبیعی همه زندانیان است که برای رهایی از مرگ، از زندان فرار کنند.

در کنار بازتاب اعدام‌های فوق، گزارش جدید سازمان عفو بین‌الملل در مورد اعدام‌های سال

۲۰۱۹ نیز مزید بر علت شد تا طنین تشنگی رسوایی جمهوری اسلامی در عرصه‌های بیشتری پژواک یابد. بر اساس گزارش جدید سازمان عفو بین‌الملل که روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت انتشار یافت، کل آمار اعدام‌های سال ۲۰۱۹ میلادی در جهان، دست‌کم ۶۵۷ تن برآورد شده است. جمهوری اسلامی با ۲۵۱ اعدام بعد از چین در رتبه دوم قرار گرفته و "مسئول بیش از یک سوم" اعدام‌های ثبت شده در جهان معرفی شده است. بعد از جمهوری اسلامی، عربستان سعودی با ۱۸۴ اعدام در مقام سوم و عراق و مصر به ترتیب با ۱۰۰ و ۳۲ اعدام در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند. طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل، سه کشور جمهوری اسلامی، عربستان و عراق، مسئول ۸۱ درصد کل اعدام‌های جهان در سال ۲۰۱۹ بوده‌اند. بر اساس گزارش فوق، امارات متحد عربی، لبنان و عمان از جمله کشورهایی در خاورمیانه هستند که در سال ۲۰۱۹ حکم اعدام را اجرا نکرده‌اند. در افغانستان نیز برای اولین بار طی یک دهه گذشته هیچ حکم اعدام اجرا نشده است.

اعدام کودکان و نوجوانان، از جمله مواردی است که در گزارش سازمان عفو بین‌الملل به عنوان نقض کنوانسیون حقوق کودک بدان توجه خاصی شده است. جمهوری اسلامی یکی از معذور نظام‌هایی است که اعدام کودکان در آن همچنان رواج دارد و در این عرصه نیز در مقام اول جهان قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۹، دست‌کم چهار محکوم نوجوان در جمهوری اسلامی اعدام شدند؛ افرادی که در زمان وقوع جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند و اعدام آنان بر اساس کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ممنوع است. کنوانسیون که جمهوری اسلامی هم در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته است.

مهدی سهرابی و امین صداقت، از جمله "کودک مجرمان" بوده‌اند که در زندان عادل آباد شیراز اعدام شدند. این دو مجرم نوجوان در زمان بازداشت ۱۵ سال داشتند. به گفته عفو بین‌الملل، مهدی سهرابی و امین صداقت، پس از یک محاکمه ناعادلانه به اتهام تجاوز به اعدام محکوم شدند. اجساد آنها نشان می‌داد که قبل از اعدام شلاق هم خورده‌اند. امیرعلی شادابی و تورج عزیزی، دو "کودک مجرم" دیگر بودند که سال گذشته اعدام شدند. این دو نیز در زمان دستگیری ۱۷ سال داشتند، که اولی در زندان میناب و دومی در زندان شهرستان نور به اتهام قتل عمد به "قصاص" محکوم شده بودند.

اعدام، از جمله‌ای شنیع‌ترین شیوه‌های رایج سرکوب و ابزار مخوف ایجاد رعب و وحشت در نظام‌های ارتجاعی، مستبد و طبقاتی است.

اعدام، کشتن عامدانه انسان هاست. مجازاتی بی‌رحمانه، غیر انسانی و مطلقاً جبران‌ناپذیر. ابزار و شیوه‌ای شکست‌خورده که طبق گزارش عفو بین‌الملل هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد استفاده از این مجازات موجب بازدارندگی از وقوع جرم و جنایت شده باشد.

در جمهوری اسلامی اما، صدور حکم اعدام فقط برای ایجاد رعب و وحشت نیست. برای هیئت حاکمه ایران، اجرای مجازات شنیع اعدام عملاً به یکی از اصول و ملزومات پایه‌ای استمرار این نظام تبدیل شده است. هیئت حاکمه ایران از آغاز تا به امروز، با برپایی جوخه‌های آتش و چوبه‌های دار، جان و هستی هزاران زندانی سیاسی، ده‌ها هزار نفر از بزه‌کاران اجتماعی و انبوهی از توده‌های مردم ایران را در بامدادانی بی‌سپیده، به تاراج برده است. این نظام فاسد و تبهکار، طی ۴۱ سال با صدور احکام اعدام، زندگی تعداد کثیری از گروه‌های مختلف مردم ایران را به یغما برد و بی‌هیچ شرمی، تماشای طلوع خورشید را برای همیشه از آنان گرفت.

روایت اعدام در حاکمیت جمهوری اسلامی، روایت ماندگار طناب و گلوله و دار است. روایتی ناتمام که روز از پی روز، ماه از پس ماه، و سال از پی سال، مدام تکرار شده و در پایان هر سال، تنها نمای کوچکی از این "خون تشنگی" حاکمان آدمکش جمهوری اسلامی در گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل پژواک داده شده است. گزارشی که عموماً برگرفته از آمارهای رسمی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است و هرگز کشتارهای غیر رسمی و اعدام‌های مخفیانه را شامل نمی‌شود. با این همه و به رغم اینکه آمارهای ثبت شده در گزارش سازمان عفو بین‌الملل، همواره کمتر از آمار واقعی اعدام‌شدگان در ایران است، اما باز هم یک سوم کل اعدام‌های رسمی جهان در سال ۲۰۱۹، به نام جمهوری اسلامی ثبت شده است.

گزارش جدید سازمان عفو بین‌الملل، همچنین اشاره‌ای به کاهش کل آمار اعدام‌های جهان و ایران در سال گذشته دارد. پوشیده نیست، آمار اعدام‌شدگانی که در گزارش ۲۰۱۹ سازمان عفو بین‌الملل بدان استناد شده، تنها روایت رسمی میزان اعدامی‌ها در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی است. روایتی مخدوش و غیر واقعی که هرگز به اعدام‌های مخفی و انبوه کشته‌شدگانی که در آبان ماه ۹۸ با تیراندازی آگاهانه و مستقیم نیروی انتظامی و ماموران امنیتی قتل‌عام شدند، یا آن گروه از دستگیرشدگان زخمی که در زندان‌های جمهوری اسلامی جان باختند، هرگز اشاره‌ای نشده است.

در آبان ماه سال گذشته به استناد گزارش عفو بین‌الملل، ۳۰۴ نفر و بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز، ۱۵۰۰ نفر در خیابان‌های شهرهای مختلف ایران با شلیک مستقیم نیروهای دولتی جان باختند. این حجم از تعداد کشته‌شدگان در صفحه ۹

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## اول ماه مه روز اعتراض و مبارزه و کیفرخواست کارگران جهان علیه نظام سرمایه‌داری گرامی باد

### کارگران مبارز

اول ماه مه امسال در شرایطی فرامی‌رسد که تورم و گرانی و فلاکت اقتصادی، معیشت کارگران و تمام اقشار فرودست جامعه را به قهقرا برده است. دستمزدهای کارگری امسال نیز زیر خط فقر تعیین شد به نحوی که تنها می‌تواند پاسخگوی یک هفته نیازهای زندگی یک خانوار کارگری باشد. وضعیت آزادی‌های سیاسی و فردی نیز مدام بدتر شده است. احضار و بازداشت و زندان و سرکوب فعالان کارگری و سندیکایی و فعالان دیگر جنبش‌های اجتماعی، حتی یک لحظه متوقف نشده است. امسال اول ماه مه را در حالی گرامی می‌داریم که پیش‌تازان جنبش کارگری و حامیان طبقه کارگر به خاطر بزرگداشت روز جهانی کارگر، به خاطر مبارزه حول شعار "نان کار آزادی- اداره شورایی" و به خاطر مبارزه برای نابودی استثمار فقر و بیکاری به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شده‌اند که یا در زندان بسر می‌برند و یا هر لحظه ممکن است احضار و زندانی شوند.

افزون بر این، امسال اول ماه مه روز جهانی کارگر در حالی فرامی‌رسد که بیماری کرونا دست‌پخت نظام گندیده و ضد انسانی سرمایه‌داری، میلیون‌ها کارگر و توده‌های زحمتکش و تهی‌دست جامعه را در معرض خطر مرگ قرار داده است. میلیون‌ها کارگر کار خود را از دست داده و بیکار شده‌اند. میلیون‌ها کارگر دیگر بر اثر سهل‌انگاری و بی‌توجهی طبقه حاکم به جان و زندگی طبقه کارگر، بدون امکانات و لوازم بهداشتی و در شرایطی که هر لحظه ممکن است به بیماری کرونا مبتلا شوند، به حال خود رها شده‌اند.

### کارگران مبارز

بی‌تردید کارگران و زحمتکشان کشورمان علی‌رغم مشکلات و محدودیت‌های گوناگون، امسال نیز به استقبال اول ماه مه خواهند رفت و خواست‌های صنفی و سیاسی اخص خود را به طبقه سرمایه‌دار حاکم یادآوری خواهند کرد. کارگران ایران در اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی طبقاتی با سایر کارگران جهان در مبارزه علیه استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان، هر خانه و کارگاه را به سنگری علیه سرمایه‌داران تبدیل خواهند کرد و این روز بزرگ را گرامی خواهند داشت.

### کارگران و رفقای مبارز

امروز شعله‌های مبارزه کارگری از هر سو زبانه می‌کشد. کارگران با مبارزات مداوم و پیگیر خود دیکتاتوری عریان جنایتکاران حاکم را به مصاف طلبیده‌اند. روز و هفته‌ای نمی‌گذرد که خیری از اعتصاب، تجمع و تظاهرات کارگران منتشر نشود. در جریان این مبارزات، اتحاد و همبستگی کارگری، بیداری و آگاهی در صفوف کارگران در مقیاس وسیعی رشد کرده است. کارگران با مبارزات خود عملاً رودرروی دولت قرار گرفته‌اند. اعتصابات و مبارزات رشد یابنده کارگران طی دو سال اخیر از یکسو، تشدید بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌ویژه پس از فروکش بحران کرونا از سوی دیگر، گسترش اعتراضات و قیام‌ها و اعتصابات کارگری را در چشم‌انداز قرار داده است. گسترش اعتصابات اقتصادی و سیاسی کارگران، زمینه‌ساز اعتصاب عمومی سیاسی است. با برپایی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه توده‌ای است که باید ضربه نهایی را بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی وارد ساخت و تمام نظم موجود را به زیر کشید.

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) داخل کشور، در اول ماه مه همپای کارگران، در برابر طبقه سرمایه‌دار حاکم صف‌آرایی و از خواست‌ها و شعارهای طبقه کارگر دفاع می‌کنیم. ما از خواست کارگران برای افزایش دستمزد به بالا خط فقر دفاع و حمایت می‌کنیم. ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) داخل کشور، از تمام خواست‌های سیاسی کارگران از جمله حق ایجاد تشکل مستقل، لغو تمام احکام صادره علیه فعالان کارگری و سندیکایی، منع تعقیب و پیگرد قضایی و امنیتی و پرونده‌سازی، آزادی کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی و سرانجام به رسمیت شناخته شدن اول ماه مه به‌عنوان یک روز تعطیل در تقویم رسمی کشور، پیگیرانه دفاع و حمایت می‌کنیم.

**زنده‌باد اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**

**زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم**

**کارنان آزادی - حکومت شورایی**

**فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) داخل کشور**

**اردیبهشت ۱۳۹۹**

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بمناسبت اول ماه مه!

### در اول ماه مه روز جهانی و همبستگی طبقه کارگر اعلام می کنیم، سرمایه داری دشمن بشریت است. سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

کمونیست ها همواره بر این واقعیت تاکید کرده اند که علت پایه ای مشقات بشر امروز نظام سرمایه داری است. بحران کرونا بار دیگر نشان داد که سرمایه داری با سلب حقوق پایه ای انسان ها مانند حق سلامتی و کالانی کردن آن، عملاً و با سببیت تمام دست به کشتار شهروندان و اساساً کارگران و محرومان زده است. در قرن بیست و یکم، در اوج توانائی علمی و تکنولوژیکی و بارآوری کار، هنوز بهداشت و درمان و حق سلامتی برای همگان در دسترس نیست. هنوز سیاست و استراتژی دولت های سرمایه داری بر "مصونیت گله ای" متکی است چرا که امکانات کافی پزشکی و درمانی برای مقابله با یک بیماری مانند کرونا وجود ندارد! این در حالی است که اختصاص درصد بسیار ناچیزی از هزینه های نظامی می تواند به بهترین وجهی سلامتی و بهداشت و درمان را برای همگان تامین و تضمین کند. سرمایه داری تا آنجا روی مسائلی مانند بهداشت و درمان و آموزش و محیط زیست سرمایه گذاری می کند که سودآور باشد، یعنی سود سرمایه مقدم بر حقوق پایه ای شهروندان ساکنین کره خاکی است. در جهانی که غرق ثروت است، تولید کنندگان کل ثروت اجتماعی، کارگران و زحمتکشان، در ناامنی اقتصادی و اجتماعی روزافزون بسر می برند. میلیاردها نفر اسپر فقر، گرسنگی، بیکاری و بیماری هستند و اقلیتی بسیار ناچیز از سرمایه داران بر کره خاکی حُکم می رانند.

پیامدهای بحران کرونا تاکنون به بیکاری صدها میلیونی، چشم انداز بیکاری وسیع تر، گسترش راستگرایی و دیدگاه های علناً فاشیستی میدان داده است. بار دیگر دولت ها از جیب کارگران میلیاردها دلار به بانک ها و بنگاه های سرمایه داری تزریق کردند و این در شرایطی است که در بسیاری کشورها کارگران را وادار کرده اند تحت شرایط بشدت خطرناک کار کنند تا برای سرمایه سود تولید کنند. در عصر انقلاب ها و تحولات تکنولوژیک که می توانست به کاهش ساعت کار و رفاه بیشتر کارگران ترجمان عملی یابد. اما وجود جوامع فقر زده و بیکاری انبوه و شکاف عظیم طبقاتی محصل نظام وارونه سرمایه داری است. سرمایه داری امروز با گسترش جنگ ها و تشدید رقابت های امپریالیستی برای دسترسی به بازارهای کار و کالا، بیش از هر زمان کره زمین و محیط زیست انسان ها را با تهدید نابودی روبرو کرده است.

اما عملکرد و سیاست های دول سرمایه داری یکسوی واقعیت است. در سوی دیگر کشمکش طبقاتی در اشکال مختلف و در هر منفذ جوامع امروز در جریان است. مبارزات کارگری از آمریکا و اروپا تا آسیا و چهارگوشه جهان بدرجات مختلف جریان دارد. انتقاد به نظم موجود و دفاع از عقلانی بودن سوسیالیسم بیش از هر زمان در متن بحران کرونا طرح شده است. گرایش های ضد سرمایه داری تقویت شده اند و تقابل با سیاست های بورژوازی بیش از هر زمان روشن تر طرح می شوند. بورژوازی و جناح های مختلف آن حتی یارای راه حلی میانمدت برای برون رفت از بحران های عدیده نظم کنونی نیستند و نمی توانند باشند. امروز دوره ای است که جنبش رهائیبخش کارگری بار دیگر باید با پرچم مستقل خویش به میدان بیاید و بمثابه رهبر آزادی جامعه با راه حل متمایز کارگری و سوسیالیستی ظاهر شود. بویژه دنیای بعد از کرونا صحنه جدال های قدیم و جدید خواهد بود. دنیای پساکرونا صحنه حادثه کشمکش طبقاتی خواهد بود. بورژوازی تلاش دارد که بار بحران اقتصادی را روی دوش طبقه کارگر بگذارد و طبقه کارگر نیز ناچار است به دنیای پساکرونا شکل دهد و نقش و جایگاه خود را برای راهی جامعه از قید بندگی و بردگی ایفا کند و اعلام کند، تنها سوسیالیسم است که می تواند بعنوان یک راه حل در مقابل جوامع امروز قرار بگیرد. این از نیازهای مُبرم کشمکش طبقاتی امروز است.

در ایران، بحران کرونا، وقفه ای در یک روند تلاطم تند سیاسی ایجاد کرد در عین حال بیشتر از هر زمان ضدیت و ماهیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی را به همگان نشان داده است. صحنه سیاست ایران بعد از کرونا تشدید مبارزه گسترده تر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تقابل تندتر سیاسی جنبش های طبقاتی متمایز خواهد بود. خیزش های سرنگونی طلبانه و علیه فقر و فلاکت در اعتراضات توده ای دیماه ۱۳۹۶ و آبانماه ۱۳۹۸ آن حلقه اصلی است که بستر سیاست ایران بعد از کرونا را به ماقبل خود وصل می کند. تمام جنبش های بورژوازی مخالف جمهوری اسلامی، جنبش های طبقات دارا خود را برای بعد از کرونا آماده میکنند. طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی نیز آگاهانه همین راه را دنبال میکنند. در ایران طبقه کارگر بیش از هر زمان با نقد ضد سرمایه داری و با تکیه به جنبش شورائی میتواند به یک پای کشمکش برسر قدرت سیاسی بدل شود. این بار کشمکش طبقات برسر دولت، حاکمیت، قانون و تصویر از آینده اوج میگردد و طبقه کارگر باید سیاست و تاکتیک اش را براین اساس تعیین کند.

در اول ماه مه و در مناسبت روز جهانی کارگر، جنبش کارگری و اردوی آزادیخواهی ضروری است در تقابل با سیاست های جمهوری اسلامی از جمله فرستادن کارگران به کار در شرایط تداوم اپیدمی کرونا، سیاست آلترناتیو خود را اعلام کنند. طبقه کارگر سیاست اعلام شده توسط روحانی، فرستادن کارگران به سرکار را بعنوان قتلگاه کارگران و هولاکاست اسلامی و ضد کارگری محکوم می کنند و قاطعانه در مقابل آن می ایستند. کارگران باید علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر سال ۹۹ اعتراض کنند و مانورهای حیوانانه و ضد کارگری نهاد پلیسی موسوم به "خانه کارگر" را افشا و محکوم کنند. در اول مه طبقه کارگر ایران و فعالین و تشکلهای آن ضروری است از وظیفه دولت برای تامین معیشت همه ساکنین ایران بویژه کارگران و محرومان، تامین و تضمین نیازهای بهداشتی و درمانی، تعطیلی مراکز کار بجز نیازهای ضروری، پرداخت یکجای کلیه حقوقهای معوقه، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار، تامین رایگان آموزش، ممنوعیت اخراج و بیکارسازی، آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان در این شرایط تاکید کنند. فراخوان ما اینست که به طرق ایمن و بصورت گسترده مناسبت اول مه را گرامی بداریم، تمایز سیاست های جنبش طبقه کارگر را با جنبش های دست راستی بطور شفاف اعلام کنیم، وقت ان رسیده است که کارگران برای رهبری جامعه و برون رفت از بحران های عدیده اعلام آمادگی کنند و برای بعد از کرونا ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند. در اول مه ضروری است با اعلام هم سرنوشتی طبقاتی و انترناسیونالیستی با کارگران جهان بر گسترش جنبش شورائی طبقه کارگر و پرچم سوسیالیستی آزادی جامعه تاکید کنیم. اول ماه مه را به طبقه کارگر ایران و کارگران جهان تبریک میگوئیم!

### زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر!

### سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

### زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۲۰ آوریل ۲۰۲۰ - ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

## گرامی باد اول ماه مه ۱۲ اردیبهشت، روز جهانی کارگر

طبقه کارگر ایران امسال همزمان با روز جهانی کارگر یکی از سخت ترین دوره های زندگی سیاسی و معیشتی خود را میگذراند. طبقه کارگر و اقشار زحمتکش مردم ایران سالهاست که شرایط سخت زندگی را تجربه می کنند. شرایط بی حقوقی کامل، تبعیض آمیز، و به شدت استثمارگرانه در سایه سنگین سرکوب رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی.

کارگران و زحمتکشان و اقشار فرودست جامعه، طی سالهای بحرانی مدید، صدمات فراوانی دیده اند. دربستری که هر روز رنج این طبقه در مناسبات حاکم بیشتر و بیشتر می شود، شیوع بیماری کشنده و مرگبار کرونا، بر مشکلات و رنج کارگران و خانواده های آنان افزوده. بیماری که محصول مناسبات نظام سرمایه داری است، مناسباتی که شادی و سعادت را از مردم گرفته، آنان را گرفتار فقر کامل و محروم از امکانات رفاهی و اجتماعی نموده. کارگران و زحمتکشان همیشه در اضطراب و ترس از هیولای سرمایه داری زندگی می کنند. چون فاقد مصونیت هستند، کرونابترس و وحشت کارگران افزوده، چرا که، قربانیانش را عمدتاً از میان خانواده های بی چیز انتخاب می کند.

پیش از اینکه بیماری همه گیر کرونا با مشکلات جامعه گره بخورد و بهم پیوندند. جامعه کارگری ایران مشکلات عدیده و فراوانی داشت. بسیاری از صنایع بزرگ و کوچک و مراکز تولیدی و واسطه ای بعلت نبود مواد اولیه تعطیل شده بودند. بخش عظیمی از طبقه کارگر گرفتار بیکاری شده بود. در پی شروع کرونا اغلب کارگران بخش خدمات به کارگران بیکار پیوستند. هم اینک بخش کثیر و چشمگیری از طبقه کارگر ایران را بیکاران و کارگران از کار رانده شده تشکیل می دهند که هیچ نهاد اجتماعی از طرف رژیم آنان را پوشش نمی دهد. از بیمه های اجتماعی و بیمه بیکاری محروم هستند. زن و فرزندان این کارگران در شرایط بد و در تنگنای مضاعف و غیرقابل تصویری زندگی می کنند. در خانه های سوت و کور و بدون آذوقه با چهره های درهم رفته و نگرانی و سواس گونه ای از هر موضوع کوچکی که اتفاق می افتد. حقوق های چند برابر زیر خط فقر تعیین شده یکی دیگر از مشکلات این طبقه است. حقوق های ناچیزی که کفاف یک هفته هزینه روزانه یک خانواده نمی شود. گرانی ارزاق عمومی و مایحتاج خانواده ها شتاب گرفته و قیمت ها چنان بالا رفته که اغلب خانواده های کارگری و زحمتکشان فقط می توانند با حسرت به مواد و وسایل مورد نیاز خود نگاه کنند و بگذرند، نمی شود از یک قلم نام برد، عموم اجناس چند برابر گران شده. در عرض همین مدت کوتاه مواد غذایی بیش از ۴۰ درصد افزایش قیمت داشته. بدنبال نایاب و کمیاب شدن برخی اقلام مواد خوراکی در مغازه ها قطعی چهره کریه و زشت خود را نشان می دهد.

علیرغم همه مصائبی که توده های کارگر و زحمتکش در مدت قرنطینه تحمل کرده اند، بخوبی دریافته اند که چگونه رژیم سرمایه داری جمهوری نیکت اسلامی حقوقشان را می خورد، و کمترین اهمیتی به مشکلات آنان نمی دهد. قرنطینه و حبس اجباری خانواده ها در مدت طولانی که با بستن دانشگاهها، مراکز آموزشی و موسسات فرهنگی همراه بوده، بین فرزندان دانشجو، دانش آموز و عناصر روشنفکر میان اعضاء خانواده های عمدتاً کارگری حول مسائل جنبش اجتماعی و کارگری بحث و جدال های فراوانی روی موضوعات روز صورت گرفت، که موجب رشد، تقویت و درهم تنیدگی آگاهی های سیاسی جنبش اجتماعی و کارگری در فازی بالاتر شده. نمود آن را در مبارزات اجتماعی توده های کارگر و زحمتکش و تشدید مبارزات علنی در هیئت جمعی در آینده شاهد خواهیم بود. وظیفه انترناسیونالیست ها و طرفداران جنبش کارگری است که همزمان با اعتلای انقلابی و وضعیت انقلابی پیش رو در حمایت کارگران و جنبش کارگری از هیچ کوششی دریغ نورزند. اگر تا دیروز جنبش کارگری در بستری نسبتاً متلاطم به پیش روی خود ادامه می داد. شرایط پیش رو بسی سخت، صعب و طوفانی خواهد بود. بحران سیاسی اجتماعی و ورشکستگی اقتصادی با مدیریتی که تدبیرش در بی برنامگی و اقتصاد بی حساب و کتاب معاملاتی پول نفت و درآمد حاصل از مالیات است چه انتظاری می شود داشت. مبارزات جنبش کارگری و طبقه کارگر وارد مرحله تعیین کننده ای در این مقطع تاریخی شده. جنگ طبقاتی شدیدی با رژیم سرمایه داری در پیش رو دارد. رژیمی که در سرکوب و بگیر ببند و قتل و چپاول دوم ندارد. جنبش کارگری ایران رقیبی دارد، و دروغگویانی مدعی، تنها با تلاش و کار سیاسی-تشکیلاتی می توانیم بر این دروغگویان رنگارنگ غلبه کنیم. بیایم همزمان با روز فرخنده اول ماه مه ۱۲ اردیبهشت به پیشواز جنبش انقلابی کارگران برویم و با این طبقه زحمتکش و ستمدیده یک بار دیگر تجدید پیمان و عهد کنیم که تا پای جان و هستی در حمایت از آنان کوشش می کنیم و در پیشبرد اهداف انقلابی و سازنده این طبقه درنگ نخواهیم کرد. کارگرانی که تمام محصولات تولیدی حاصل رنج و کار آنان است چرا باید خود و فرزندانشان در محرومیت و در حسرت استفاده اندکی از این امکانات در معذورات همیشگی باشند. ما فعالان کارگری جنوب ضمن گرامیداشت این روز و تبریک و تهنیت به طبقه کارگر، به سهم خود همه علاقه مندان به سرنوشت طبقه کارگر و دوستداران این طبقه را به یک مبارزه هدفمند، اصولی و پیگیر فرا می خوانیم. مبارزات اجتماعی و مبارزات طبقه کارگر و تهیدستان در شرایط انقلابی کنونی خواه نا خواه وارد پراتیک اجتماعی در ابعاد گسترده تر می شود، احتیاج به همکاری مشترک و مستقل خود دارد.

**فرخنده باد اول ماه مه دوازده اردیبهشت روز جهانی کارگران.**

**پیروز و خجسته باد جنبش جهانی طبقه کارگر.**

**زنده باد انقلاب - زنده باد سوسیالیسم.**

**زنده باد همبستگی جهانی کارگران.**

**فعالان کارگری جنوب- ۵/۲/۹۹**



## "خون تشنگی" جمهوری اسلامی در آئینه اعدام

خیابانی در کجای مستندات آماری اعدام های سازمان عفو بین الملل جای دارند. آیا به صرف اینکه این تعداد از کشته شدگان در بیدادگاه های جمهوری اسلامی محاکمه و محکوم به اعدام نشده اند، می توان اسامی و آمار آنان را از لیست اعدام شدگان جمهوری اسلامی خارج کرد. سال ها است که هیئت حاکمه ایران برای کاهش صوری آمار اعدام های رسمی خود، به اعدام های مخفی و کشتار علنی مردم در سطح خیابان ها روی آورده است. دستور شلیک مستقیم گلوله های جنگی به سر و سینه و قلب توده های معترض خیابانی در آبان ماه ۹۸، اگر قتل عمد دولتی و اعدام آنان توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در سطح خیابان ها نیست، پس چه نام و عنوانی باید برای آنان گذاشت؟

روایت اعدام و گرفتن جان انسان ها در جمهوری اسلامی اما روایت دیروز و امروز نیست. جمهوری اسلامی به عنوان دولت دینی، با کشتار توده های مردم ایران تولد یافت. این نظام، در تمام این سال ها، با اعدام و سرکوب و کشتار به بقاء ننگین خود استمرار بخشیده و بدون تردید تا آخرین روزهای حیات خود نیز در پرپایی چوبه های دار، جوخه های مرگ و کشتار بی رحمانه توده های مردم ایران برای رفع "خون تشنگی" اش لحظه ای درنگ نخواهد کرد.

به رغم مبارزات پیگیر و تلاش های مستمری که این سال ها برای لغو اعدام در متن جامعه کنونی ما جاری است، پوشیده نیست که مبارزه برای لغو اعدام بدون مبارزه ای جدی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، هرگز میسر نخواهد بود. لغو اعدام و پایان دادن به "خون تشنگی" جمهوری اسلامی، تنها با مبارزه ای پیگیر و استوار برای سرنگونی انقلابی این رژیم فاسد و آدم کش و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان، متحقق خواهد شد.

## در گرامی داشت اول ماه مه اهمیت اعتصاب سراسری کارگران

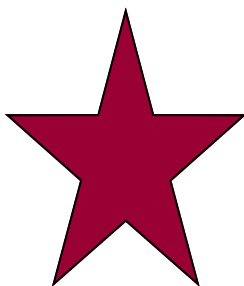
اساسی در زندگی کارگران و زحمتکشان منجر شود و دشمنان طبقه کارگر در پوشش های گوناگون انقلاب را منحرف و یا با شکست روبرو نسازند، لازم است تا طبقه کارگر به عنوان یک طبقه وارد میدان شود. طبقه کارگر با سازماندهی اعتصابات سراسری اقتصادی و سیاسی، ضمن آنکه به عنوان یک طبقه با خواست های خاص خود قد علم می کند، می تواند موازنه قوای سیاسی را کاملاً به نفع صف انقلاب تغییر داده، مهر خود را بر انقلاب زده و زمینه عینی را برای قیام مسلحانه، سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان فراهم سازد.

در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران در ایران و جهان، ضمن گرامی داشت این روز پر اهمیت در تاریخ که یادآور مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر برای رسیدن به خواست های خود است، باید ضرورت اعتصاب سراسری را در این مرحله از مبارزات کارگران و زحمتکشان برای سرنگونی جمهوری اسلامی یادآوری کرد. اعتصاب کارگران و خواباندن چرخ تولید در سراسر کشور مهمترین گامی است که باید در راه به ثمر رساندن آن از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

اجتماعی در جامعه و کشیده شدن آن به سطح خیابان ها را طی ماه های آینده در پی خواهد داشت. البته این بار اعتراضات شدیدتر و همراه با خشونت خواهد بود و می توان از آن به عنوان یک ابرجنبش اعتراضی در کشور یاد کرد که بیشتر اقشار فرودست و متوسط جامعه در آن حضور خواهند داشت."

وی در عین حال به دلایلی از جمله فساد حاکم بر سیستم معتقد است که با روش های متداول کنونی نمی توان این معضل را حل کرد و با بیان وضعیت اقتصادی و کسری بودجه دولت می نویسد: "در این شرایط، دولت درصدد چاپ پول برای جبران کسری بودجه کشور است و این به معنی افزایش قیمت و تورم است. پیش بینی تحلیلگران سیاسی و اقتصادی، افزایش ۱۰۰ درصدی تورم در کشور در ماه خرداد و افزایش شدید قیمت هاست!"

بنابراین گسترش و تشدید مبارزه طبقاتی در شرایط کنونی اجتناب ناپذیر است. اما برای تغییر شرایط به نفع طبقه کارگر این کافی نیست که مبارزه طبقاتی تشدید شود، مهم و اساسی مسیری است که این مبارزه باید طی کند تا به اهداف عالی خود برسد و وگرنه می تواند در مسیر خود به سکون، عقبگرد و حتا شکست نیز بیانجامد. برای این که شرایط کنونی به تغییرات



## سقوط آزاد بهای نفت

اینترمدیت آمریکا نیز با ۲۷ درصد کاهش به رقمی کمتر از ۳۰ دلار در هر بشکه سقوط کرد. اوپک تلاش کرد این بار نیز با کاهش تولید، مانع از سقوط بیشتر قیمت‌ها گردد، اما در نتیجه مخالفت روسیه در خارج از اوپک این تلاش به شکست انجامید. البته با توجه به ابعاد بحران، دلیلی هم وجود نداشت که این کاهش تولید بتواند مانع جدی بر سر راه کاهش بیشتر قیمت‌ها باشد. کاهش بهای نفت ادامه یافت. در حالی که بازار جانی کاملاً اشباع شده بود و مراکز ذخیره سازی نیز مملو از نفت بود، زیر فشار دولت آمریکا، اوپک به همراه روسیه و تمام تولیدکنندگان غیر اوپک تصمیم به کاهش تولید گرفتند. روز ۲۱ فروردین وزیران نفت و انرژی ۲۳ کشور عضو و غیر عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بر سر کاهش تولید روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت توافق کردند. اما این اقدام نیز نتیجه بخش نبود. چرا که دیگر نه خریداری پیدا می‌شد و نه جایی برای ذخیره کردن نفت، باقی مانده بود.

اعلام شد ۳۰۰ میلیون بشکه نفت از ماه مارس بدون استفاده در بازار باقی مانده و بر حجم آن در ماه آوریل افزوده شد. شرکت‌های ذخیره سازی جهانی اعلام کردند که ظرفیت آن‌ها لبریز شده است. رویتر نیز گزارش کرد در حالی که مخازن ذخیره نفت در روی خشکی یا پر شده و یا زرورو هستند، ده‌ها کشتی نفتکش در روزهای اخیر زرورو شده تا حداقل ۳۰ میلیون بشکه سوخت جت، بنزین و دیزل را روی دریا ذخیره کنند. منابع تجاری و کشتیرانی نیز گفتند، پیش از این ۱۳۰ میلیون بشکه دیگر به صورت ذخیره روی دریا شناوراند.

با این اوضاع، برای اولین بار در روز دوشنبه هفته گذشته ۲۰ آوریل، یکی از شاخص‌های اصلی قیمت نفت در بازار، منفی پایین‌تر از صفر شد. در این روز قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت برای هر بشکه نفت که قرار است در ماه مه تحویل داده شود به منفی ۳۷ دلار و ۶۳ سنت سقوط کرد. این بدان معنا بود که نه فقط سودی عاید سرمایه‌دار نمی‌شود، نه فقط هزینه تولید جبران نمی‌گردد، بلکه صاحب نفت باید معادل این مبلغ را به خریدار پرداخت کند. در بحران‌های پیشین مازاد تولید نیز، کالاها در انبار می‌مانند و به فروش نمی‌رسند. اما چنین اتفاقی رخ نمی‌داد که سرمایه‌دار برای فروش آن پولی هم پرداخت کند. این کالا می‌توانست در انبار باقی بماند و بعداً به فروش رود. می‌توانست به قیمتی پایین‌تر به فروش رود. اگر فاسد شدنی بود و یا سرمایه‌دار نمی‌خواست قیمت انحصاری اش شکسته شود، به دور ریخته می‌شد، اما نفت مازاد، دیگر نه جایی برای ذخیره کردن داشت و نه می‌شد آن را مثل محصولات کشاورزی و لبنی به دور ریخت. بنابراین صاحب کالا می‌باید پولی هم بپردازد که از شر آن خلاص شود. چنین اتفاقی برای نخستین بار در آمریکا رخ داد. حالا هر بشکه نفت برابر ۱۵۹ لیتر که در اوایل سال جاری در نیویورک

به بهای ۶۰ دلار داد و ستد می‌شد، قیمت آن در ساعات پایانی روز دوشنبه به منفی ۶۳ / ۳۷ دلار سقوط کرده بود. البته این قیمت منفی فقط مربوط به قراردادهایی است که برای تحویل بشکه‌های نفت در ماه مه تنظیم شده بودند. براساس گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی قیمت نفت آمریکا برای تحویل در ماه ژوئیه روز سه شنبه به قیمت ۱۶ / ۰۷ دلار در هر بشکه رسید. اما سرنوشت آتی این قیمت نیز با توجه به ادامه بحران اقتصادی و بیماری کرونا، هنوز روشن نیست.

در پی این سقوط بهای نفت آمریکا، بهای نفت برنت دریای شمال نیز روز سه‌شنبه برای اولین بار از سال ۲۰۰۱ زیر ۲۰ دلار در هر بشکه سقوط کرد و به ۱۸ / ۱۰ دلار رسید. اما این کاهش بهای نفت چه عواقبی خواهد داشت؟

این سقوط آزاد بهای نفت قبل از هر چیز بیانی از عمق و وسعت بحران اقتصادی جهانی نظم سرمایه‌داری است و این بحران را عمیق‌تر خواهد کرد. این بحران تا همین جا، نتایج وخیمی برای بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگران آمریکایی به بار آورده که در نفت شل مشغول به کار هستند و بیکار می‌شوند. بسیاری از تاسیسات اکتشاف، استخراج و تولید نفت که در لایه‌های رسوبی مشغول فعالیت‌اند، با این کاهش بهای نفت سودآوری خود را از دست می‌دهند و فعلاً هم چشم‌اندازی برای افزایش بهای نفت در کوتاه مدت وجود ندارد. در نتیجه، تعدادی از این شرکت‌ها ورشکست می‌شوند و تعدادی نیز عجلتاً فعالیت خود را متوقف می‌کنند.

چرا که به رغم کاهش شدید هزینه‌های تولید این نفت در یک دهه اخیر، هزینه تولید آن بسیار بالاتر از هزینه‌های تولید در کشورهای عمده تولید کننده نفت اوپک و نیز روسیه است. هزینه تولید نفت در عربستان در هر بشکه ۳ دلار است. در مورد شرکت‌های آمریکایی نفت شل گرچه آن‌ها هزینه‌های تولید را از حدود ۸۰ دلار در یک دهه پیش، شدیداً کاهش داده‌اند اما این هزینه هنوز به طور متوسط ده برابر عربستان سعودی است. روشن است که با قیمت‌های کنونی یا ورشکست می‌شوند یا موقتاً بسته می‌شوند. نتیجه در هر حال بیکاری میلیون‌ها کارگری است که در این شرکت‌ها مشغول کارند. اما توقف فعالیت‌های این بخش تأثیرات گسترده‌تری بر کل اقتصاد آمریکا و حتی بانک‌هایی خواهد داشت که میلیاردها دلار در این بخش سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

در مرحله بعد، کشورهای نفت‌خیز و دولت‌های رانت‌خوار حاکم بر آنها از نمونه ایران، عربستان، عراق، الجزیره،

کویت، قطر، لیبی در خاور میانه و آفریقا هستند که شدیداً از این سقوط آزاد بهای نفت متأثر می‌شوند و حتی ممکن است عواقب سیاسی جدی برای آن‌ها داشته باشد. این دولت‌ها، سال‌ها از بهای بالای نفت درآمدهای کلانی عاید خود کردند. در واقع، تولید نفت برای آن‌ها هزینه‌ای در بر ندارد. هزینه تولید هر بشکه نفت با هزینه حمل و نقل در کشورهای مختلف این گروه بین ۵ تا ۱۰ دلار است. آنچه که عاید آنها می‌شود و گاه هر بشکه نفت را حتا به صد دلار می‌فروشند، نوعی رانت معدن است. اما از این درآمدهای

کلان نه تنها در اغلب موارد چیزی عاید توده‌های کارگر و زحمتکش نمی‌شود، بلکه فقر، بیکاری و رژیم‌های استبدادی سهم مردم این کشورها بوده و هست. در واقعیت تنها طبقه حاکم بر این کشورها و انحصارات نفتی هستند که از این بابت سود می‌برند. درآمد نفتی یک منبع مهم دزدی و فساد طبقه حاکم سرمایه‌دار در این کشورها است و بخش مهمی از آن نیز صرف سازماندهی و تجهیز دولت‌های استبدادی و حتا برپائی جنگ‌های نیابتی می‌شود. این کشورها در هر سال میلیاردها دلار از این درآمد هنگفت نفتی را صرف دستگاه دولتی سرکوبگر و استبدادی به ویژه یک نیروی نظامی عریض و طویل می‌کنند و میلیاردها دلار صرف خرید پیشرفته‌ترین سلاح‌ها می‌شود. نمونه برجسته آن عربستان سعودی، امارات و قطر هستند.

این هزینه‌های هنگفت دستگاه دولتی و چپاول، فساد و دزدی‌های کلان طبقه حاکم باعث می‌گردد که با هر کاهشی در درآمدهای نفتی، دچار بحران‌های جدی شوند. بنابراین تعجب‌آور نخواهد بود که بشنومیم با این کاهش بهای نفت، دولت‌های به ظاهر ثروتمند عربستان و امارات از هم اکنون برای تأمین هزینه‌های خود ناگزیر به قرض از طریق اوراق قرضه شده‌اند.

اوضاع در دیگر دولت‌های رانت‌خوار نفتی از این هم وخیم‌تر است. الجزایر که منتهاست درگیر یک بحران اقتصادی است، اقتصاد آن تقریباً کاملاً به درآمد نفت بستگی دارد و صادرات نفت و گاز، بیش از ۹۰٪ از درآمد خارجی این کشور را به خود اختصاص می‌دهد. اگر در برخی کشورها از نمونه عربستان، امارات، قطر و کویت اندکی هم از درآمد نفت صرف رفاه مردم می‌شود، در الجزایر و کشورهای دیگر از این نیز خبری نیست. میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان الجزایری با فقر و گرسنگی مواجه‌اند. تظاهرات و اعتراضات بیکاران و فقرای الجزایری در چند سال اخیر آرام نگرفته است. در لیبی عجلتاً باندهای طبقه حاکم بر سر درآمدهای نفتی در حال جنگ با یکدیگرند و مردم این کشور روزمره تلف می‌شوند. به عراق نگاه کنیم که چهارمین کشور تولید کننده نفت جهان با ۵ / ۴ میلیون بشکه در روز است. کشوری که در یک چشم به هم زدن صد میلیارد دلارهای نفتی آن نا پدید می‌شود، آنچه برجای مانده است، میلیون‌ها فقیر، گرسنه و بیکار است که همه روزه در خیابان‌ها اعتراض می‌کنند. بنا به برخی گزارش‌ها در پی کاهش بهای نفت، دولت این کشور در ماه‌های آینده حتی توان پرداخت حقوق کارمندان خود را نیز نخواهد داشت. در بودجه سال ۲۰۲۰ درآمدهای نفتی این کشور حدود ۹۲ میلیارد دلار برآورد شده بود، اکنون ارزیابی می‌شود که کل درآمدهای نفتی این کشور با قیمت‌های فعلی به حدود ۲۳ میلیارد دلار کاهش خواهد یافت.

در این میان تکلیف جمهوری اسلامی روشن است که پیش از بحران جهانی کنونی، با یک بحران اقتصادی و سیاسی ژرف رو به رو بوده است. این نفت و درآمدهای حاصل از آن در دوران رونق بازار نفت چه ارمانی برای مردم ایران به بار آورد؟ در دوره احمدی نژاد که هر بشکه نفت بالای صد دلار به فروش رفت، درآمد

## سقوط آزاد بهای نفت

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت تعیین دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر

هر ساله نهاد دولتی جمهوری اسلامی موسوم به "شورای عالی کار" با شرکت نمایندگان کارفرما، نمایندگان دولت بعنوان بزرگترین کارفرما و به اصطلاح نمایندگان کارگران که خود وابسته به ارگانهای سرکوب گر رژیم و بخشی از مناسبات سرمایه داری می باشند جمع می شوند و به نام افزایش دستمزد، در راستای منافع کامل سرمایه داران و دولت حداقل دستمزد را تعیین میکنند.

بالاخره پس از دو ماه جنگ زرگری پرده نمایش بالا رفت و این بار هم همانند سالهای پیشین، شورای عالی کار این نهاد ضد کارگری و ارگان دولت تدبیر و امید سرمایه داران، دستمزد سال ۱۳۹۹ را تعیین کرد. با اعلام افزایش ۲۱ درصدی دستمزد، در حالیکه براساس آمار ناقص بانک مرکزی میزان تورم ۴۱ درصد است بار دیگر با تعرضی افسار گسیخته و وحشیانه به جیب کارگران و با کاهش چندین برابر قدرت خرید، فقر و گرسنگی و بردگی میلیونها کارگر و خانواده های آنان رسمیت داده شد. اعلان یک میلیون و هشتصد و پنجاه هزار تومان حداقل دستمزد در شرایطی است که حتی برخی از دست اندر کاران رژیم و اقتصاد دانان سرمایه داری حداقل خط فقر را بیشتر از ۵ میلیون تومان میدانند، هر چند بر اساس بر آورد تشکل های مستقل کارگری، مزی که حداقل هزینه های آنان را تامین کند بسیار بالاتر از آنست. در چنین شرایطی در ترفندی جدید امسال نمایندگان منتخب دولتی ظاهرا با چانه زدن بر چند درصد بالاتر از رقم دلخواه که تاثیر چندانی در معیشت کارگران ندارد، در تلاش در توهم آفرینی، اهداف دیگری را در جهت منافع سرمایه داران و صاحبان قدرت به پیش می برند. واقعیت این است که تعیین دستمزد بر اساس ملزومات رفاه و معیشت در زندگی کارگری باید تنها و تنها به عهده تشکل های مبارز و مستقل و سراسری کارگری باشد، نه تشکل های وابسته به حاکمیت و سرمایه داران. ترفندهای را که همه ساله حکومت سرمایه داری و کارگر ستیز برای مخدوش کردن این مطالبه بکار می برد، باید افشا کرد.

تعیین دستمزد چند مرتبه پایین تر از خط فقر در شرایطی است که بیش از نیمی از نیروی کار که در استخدام رسمی نیستند و میلیونها کارگر شاغل کارگاه های کوچک، کارگران فصلی، موقت، پیمانی، دست فروشان، کارگران قالبیاف و کارگران بخش کشاورزی، زنانی که در خانه برای کارفرمایان تولید میکنند و... از همین حقوق ناچیز نیز محروم هستند. فعالین کارگری و تشکل های مستقل تحت فشارهای سنگین به زندان، شلاق و شکنجه محکوم می شوند و کارگران معترض به خاطر پرداخت نشدن همین حقوق به زندان محکوم میشوند. با شیوع کرونا که سود جوئی، پنهان کاری جنایتکارانه جمهوری اسلامی آنرا به شکل فاجعه باری در تمامی استانهای ایران منتشر کرد، ابعاد فاجعه بار آن با گذشت بیش از سه ماه به طور چشمگیری در حوزه کارگران و فرو دستان جامعه خود را نشان میدهد. کارگرانی که هنوز این شانس را داشته اند که به صفوف میلیونی بیکاران پرتاب نشده اند، مجبورند در شرایطی غیر بهداشتی با فروش نیروی کار و بدنشان، در ساختاری نابرابر و با به خطر انداختن سلامتی خود به سر کار بروند، از دل این طوفان کرونا علاوه بر کادر درمانی، این کارگران و فرو دستان هستند که هر روزه بیشترین قربانیان را میدهند. نیروی کار ارزان و بدون تشکل بر سر دو راهی مرگ با کرونا و یا مرگ در آغوش فقر قرار دارد. در چنین شرایطی اگر ویروس کرونا جان صدها نفر را هر روزه می گیرد، دستمزد حداقل اعلام شده سرمایه داری ایران میلیونها کارگر و خانواده کارگری را به تشدید فقر، گرسنگی و فلاکت روزه محکوم می کند.

اما در چند سال گذشته شاهد دو جنبش عظیم دیماه ۹۶ و اوج گیری مجدد آن در آبان ماه ۹۸ توسط فرو دستان، بیکاران و زحمتکشان به جان آمده از بیکاری، گرسنگی، بی آینده گی، تبعیض، استثمار و استبداد بودیم که پارسال حتی رادیکال تر از گذشته کلیت نظام و سیستم سرمایه داری را هدف قرار داده بودند. ترس از قیام برخاسته از خشم و عصبانیت توده ای رژیم را به وحشت مرگ انداخت، سرکوب وحشیانه، کشتار و قتل عام هزاران و بازداشت ده ها هزار تن دیگر، برای کنترل اوضاعی بود که دیگر نمی تواند مثل سابق ادامه یابد. بعلاوه کارگران در مبارزات هر روزه، بی وقفه و گسترش یابنده خود برای معیشت شان شعار "نان، کار، آزادی، اداره شورایی" که کارگران هفت تپه پیشتاز آن بودند را به عنوان آلترناتیو به میان آورده اند و این شعار می تواند به شعار متشکل شدن کارگران و متحدینش تبدیل شود.

**شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست** طبقه کارگر را به اعتراض گسترده علیه سیاست تشدید فقر و فلاکت عمومی و برچیدن چنین رابطه استثمار گرانه و ظالمانه ای، برای دستیابی به یک زندگی مرفه، شایسته و انسانی فرا می خواند. لازم است که طبقه کارگر به ایجاد و تقویت تشکل های پیشرو، مستقل و سراسری، هم گرایی و سازماندهی در مسیر مبارزه برای حاکم شدن بر سرنوشت خود بپردازد. چاره کارگران وحدت و تشکیلات است. تنها با سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی، درهم شکستن حاکمیت سرمایه، برقراری حکومتی شورایی و حاکم شدن کارگران بر سرنوشت خویش، تحقق رفاه و زندگی درخور انسانی امکان پذیر است، در این پیکار دشوار شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در همگرایی و همراهی با طبقه کارگر مبارزه میکند.

### سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۰ آوریل ۲۰۲۰ - ۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

نفت به ۷۰۰ میلیارد دلار رسید. در دور نخست زمامداری روحانی، صدها میلیارد دلار دیگر بر آن افزوده شد. نتیجه اما برای مردم ایران، چیزی جز دهها میلیون فقیر و گرسنه و یک ارتش ده میلیونی از بیکاران نبود. پس، این درآمد هنگفت نفت چه شد؟ به سادگی بخش بزرگی از آن چپاول و غارت شد و به جیب سران و مقامات رژیم و سرمایه داران ایران رفت. بخش دیگر آن نیز صرف هزینه دولت عریض و طویل استبدادی سرکوبگر برای اسارت مردم ایران و جاسطیلی های توسعه طلبانه رژیم، برافروختن جنگ های نیابتی و سازماندهی گروه های اسلامگرا در سراسر جهان شد. اکنون با کاهش بهای نفت چه می شود؟ گرچه در پی تحریم های دولت آمریکا درآمدهای رژیم از فروش نفت کاهش یافته بود، اما این کاهش بهای نفت نیز تاثیرات وخیمتر دیگری بر وضعیت اقتصادی و مالی رژیم برجای خواهد گذاشت. در بودجه سال جاری که از قبل با صد هزار میلیارد کسری مواجه بود، فروش روزانه یک میلیون بشکه در روز به بهای ۵۰ دلار در نظر گرفته شده بود. با این کاهش بهای نفت اکنون رژیم شاید بتواند یک سوم درآمد نفتی پیش بینی شده را به دست آورد. اما تاثیر کاهش بهای نفت در همین محدوده باقی نمی ماند. کاهش بهای نفت بر بخش های دیگر اقتصاد، درآمدهای رژیم و به دست آوردن ارز نیز تاثیر خواهد گذاشت که مهم ترین آن کاهش بهای فرآورده های کارخانه های پتروشیمی است.

مرکز پژوهش های مجلس پیش بینی کرده است که درآمد صنعت پتروشیمی در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۰ درصد کمتر از درآمد آن در سال ۱۳۹۸ خواهد بود. از همین روست که «اسحاق جهانگیری» معاون روحانی روز سه شنبه گذشته در جلسه با مدیران وزارت راه و شهرسازی با اشاره به اخبار مربوط به قیمت نفت در سطح جهانی گفت: اقتصاد آمریکا که ۲۵ درصد تولید ناخالص دنیا را در اختیار دارد از شب گذشته نفت را به قیمت منفی به فروش گذاشته و این نشان می دهد که بقیه کشورهای دنیا نیز از پیامدهای اقتصادی کرونا بی نصیب نخواهند ماند. وی افزود: سایر کالاهای وابسته به نفت مثل صنایع پتروشیمی و حتی فلزات نیز از تبعات اقتصادی بحران کرونا متأثر خواهند شد و از دانشگاه ها و مراکز علمی خواست راهکارهای علمی برای مواجهه با این مسأله ارائه دهند. بنابراین روشن است که این کاهش بهای نفت، بحران اقتصادی سرمایه داری ایران را نیز عمیق تر و وخیم تر خواهد ساخت.

در دوره رونق نفت و بهای آن چیزی عاید کارگران و زحمتکشان ایران نشده، حالا در دوره کاهش بهای نفت و تشدید بحران اقتصادی با افزایش فقر، بیکاری و گرانی بار آن نیز بردوش کارگران و زحمتکشان قرار خواهد گرفت.

**امضاها:** اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## سقوط آزاد بهای نفت

جهانی در ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۸ به ۳۵ دلار در هر بشکه سقوط کرد. در سال‌های بعد همراه با بهبودهای نسبی تا ۶۰ دلار افزایش یافت. در آن شرایط، در هر مقطعی که بهای نفت شدیداً کاهش می‌یافت، انحصارات نفتی از نمونه اوپک می‌توانستند با کاهش تولید، مانع از تنزل شدید بهای نفت شوند. از همین رو، میانگین بهای نفت برنت در سال ۲۰۱۹ حدود ۶۰ دلار بود. اما با چشم انداز رکود اقتصادی، احتمال کاهش بهای نفت از اوایل سال ۲۰۲۰ وجود داشت. علاوه بر این، اکنون دیگر یک تولید کننده بزرگ، نفت شیل به بازار پیوسته بود، که به ویژه در آمریکا حجم بزرگی از نفت را در کنار اوپک و روسیه وارد بازار جهانی کرده بود. ایالات متحده که هم اکنون بزرگترین تولید کننده نفت در جهان است؛ در سال‌های اخیر به ویژه پس از به قدرت رسیدن ترامپ، تولید نفت خام را به سرعت

افزایش داد. این افزایش تولید نفت روزانه آمریکا در آغاز سال جدید از ۱۳ میلیون بشکه فراتر رفت. روشن بود که این حجم بزرگ نفت در بازار جهانی بیش از نیاز جهانی در آستانه بحران جدید است.

دلیل مهم سقوط، اما این بود که اکنون همراه با رکودی که آغاز شده بود، بحران کرونا، تقریباً تمام فعالیت‌های تولیدی و نیز فعالیت بخش خدمات به ویژه وسایل حمل و نقل را متوقف ساخت.

در چنین شرایطی است که روند نزولی بهای نفت آغاز می‌شود. روز دوشنبه ۱۹ اسفند (۹ مارس) قیمت نفت شدیداً سقوط کرد. بهای نفت برنت برای نخستین بار در ۲۰ سال اخیر در یک روز ۳۱ درصد کاهش یافت و به حدود ۳۱ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت خام وست تگزاس

در صفحه ۱۰

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سوئیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 867 April 2020



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دموکراسی شورائی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر  
چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر  
جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی